

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی الحيض

موضوع جزئی: حکم مشکوک القرشیة - استصحاب عدم ازلی

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۹ بهمن ۱۴۰۱

مصادف با: ۷ رجب ۱۴۴۴

جلسه: ۵۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در کلام مرحوم سید (ره) بود. نظر ایشان این بود که زنی که در قرشیة بودن او شک شود به غیر قرشیة ملحق می شود. دلیل این حکم، استصحاب عدم قرشیة بود. گفته شد که بر اساس بعضی از انظار، مبنای حکم به عدم قرشیة، استصحاب عدم ازلی است و بر اساس بعضی از انظار دیگر، دلیل حکم مذکور، اجماع و تسالم فقهاست و بعضی از انظار دیگر، دلیل حکم مذکور را بنا و سیره عقلا دانسته اند.

آنچه معرکه آراء واقع شده است استصحاب عدم ازلی است. در جلسه گذشته معنای استصحاب عدم ازلی بیان شد و عرض شد که در رابطه با استصحاب عدم ازلی سه دیدگاه مطرح شده است؛

**قول اول**، قول منکرین است. مرحوم نائینی (ره) بر مسأله انکار، اصرار دارد و گفته است که اصلاً استصحاب عدم ازلی نداریم. مرحوم امام (ره)، مرحوم آیت الله بروجردی (ره)، آیت الله زنجان (حفظه الله تعالی) و بعضی از بزرگان دیگر نیز منکر استصحاب عدم ازلی می باشند. نظر سابقین از اصولیین نیز همین است، یعنی استصحاب عدم ازلی را قائل نبوده اند.

**قول دوم**، قول مثبتین است مطلقاً. مرحوم آیت الله خویی (ره)، مرحوم شهید صدر (ره)، مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله سیستانی (حفظه الله تعالی) و بعضی دیگر از بزرگان نیز از کسانی می باشند که استصحاب عدم ازلی را قبول دارند.

**قول سوم**، قول مفصلین است. مرحوم آقا ضیاء عراقی (ره) و مرحوم آیت الله حکیم (ره) قائل به تفصیل شده اند و بین ماهیات و ذاتیات از یک طرف و عوارض از طرف دیگر، تفصیل داده اند.

مثالی که به آن اشاره شده است، این است که گفته اند که روزی روزگاری زنی نبود و قرشییتی نیز در کار نبود و بعد شک شده است که اگر زن وجود پیدا کند، قرشیّت است یا قرشیّت نیست در این صورت، استصحاب عدم ازلی جاری می شود و به عدم قرشیّت او حکم می شود، اما اگر در رابطه با زن موجود، شک شود که قرشیة است یا قرشیة نیست، استصحاب عدم محمولی جاری می شود، پس اگر از ابتدا نه زنی در کار بوده است و نه قرشییتی و سپس در قرشیّت زن بر فرض اینکه موجود گردد، شک شود، استصحاب عدم ازلی جاری می شود، ولی اگر زن بالوجدان وجود داشته باشد و در قرشیّت او شک شود که آیا قرشیّت بر آن زن حمل می شود یا حمل نمی شود، استصحاب عدم محمولی جاری می شود، هر چند که گفته اند که استصحاب عدم ازلی نیز به استصحاب عدم محمولی برمی گردد.

### استصحاب عدم نعتی (عدم وصفی)

منظور از استصحاب عدم نعتی استصحاب عدم تعلق وصف به یک ماهیت است، یعنی شک می شود که آیا شیء موجود، به فلان صفت، متّصف شده است یا متّصف نشده است، مثل اینکه زیدی که موجود است، روزی روزگاری متّصف به صفت فسق نبوده است

و اکنون شک شده است که آیا به صفت فسق متّصف شده است یا به صفت فسق متّصف نشده است که در این صورت، استصحاب عدم وصف جاری می‌شود.

#### **تفاوت بین استصحاب عدم نعتی با استصحاب عدم محمولی**

استصحاب محمولی به خود ماهیت شیء مربوط است و به وصف شیء مربوط نیست، پس در استصحاب محمولی بحث در این است که آیا شیئی که معدوم بود، الآن موجود است یا موجود نیست، مثل اینکه گفته می‌شود: «شریک الباری معدوم» یا «زید معدوم»، یعنی زید روزی روزگاری نبوده است و اکنون شک شده است که وجود پیدا کرده است یا وجود پیدا نکرده است که استصحاب عدم محمول در رابطه با آن جاری می‌شود یعنی معدوم بودن سابق استصحاب می‌شود و تفاوت آن با استصحاب نعتی در این است که استصحاب عدم محمولی به استصحابی اطلاق می‌شود که به تعلق یا عدم تعلق یک چیز به اصل ماهیت مربوط می‌شود، همانند زید معدوم که شک شده است که آیا وجود به آن تعلق گرفته است یا تعلق نگرفته است، اما استصحاب عدم نعتی به چیزی مربوط می‌شود که وجود پیدا کرده است، لکن شک شده است که آیا فلان وصف به آن تعلق گرفته است یا تعلق نگرفته است. پس اگر استصحاب، به خود ماهیت مربوط باشد، استصحاب عدم محمولی است و اگر به وصف ماهیت مربوط باشد، عدم نعتی است و اگر مربوط به این باشد که خود ماهیت در ازل نبوده است و وصف آن نیز نبوده است و الآن خود شیء موجود است و شک در این است که آیا وصفی که در ازل نبوده است، برای آن شیئی که موجود شده است، محقق شده است یا محقق نشده است، استصحاب عدم ازلی جاری می‌شود.

**اشکال:** بعضی از بزرگان، مثل مرحوم امام (ره)، مرحوم نائینی (ره)، مرحوم آیت الله بروجردی (ره)، آیت الله زنجانی (حفظه الله تعالی) و بعضی از بزرگان دیگر در رابطه با استصحاب عدم ازلی اشکالی وارد کرده‌اند و گفته‌اند که یکی از ارکان استصحاب این است که بین قضیه متیقّنه و مشکوکه باید وحدت وجود داشته باشد و هر دو یکی باشند، در حالی که در مانحن‌فیه، قضیه متیقّنه و مشکوکه با هم متفاوتند و دو چیز می‌باشند زیرا قضیه متیقّنه، سالبه به انتفاء موضوع است [، یعنی روزی روزگاری زن و قرشیّت وجود نداشته‌اند]، در حالی که قضیه مشکوکه، سالبه به انتفاء محمول است، یعنی موضوع وجود دارد ولی در محمول شک است [، یعنی موضوع که زن است وجود دارد ولی محمول که قرشیّت است، وجود ندارد و مشکوک است] لذا چون قضیه متیقّنه و مشکوکه یکی نیستند، نمی‌توان استصحاب جاری کرد.

آیت الله زنجانی (حفظه الله تعالی) فرموده است که اشکالی که به استصحاب عدم ازلی وارد است این است که اگر فرض شود که استصحاب عدم ازلی هیچ محذوری نسبت به عالم ثبوت و واقع ندارد، لکن در عالم اثبات و خارج نمی‌توان استصحاب عدم ازلی را تصویر کرد زیرا عرف، با توجه به دلیل استصحاب [، یعنی خطاب «لا تنقض الیقین بالشک»] می‌گوید که در جایی که قضیه، سالبه به انتفاء موضوع است استصحاب جاری نمی‌شود، بلکه استصحاب در جایی جاری می‌شود که موضوع وجود داشته باشد، در مانحن‌فیه نیز عرف، عدم قرشیّت را با استصحاب عدم ازلی ثابت نمی‌کند، پس عرف قضیه‌ی سالبه به انتفاء موضوع را به عنوان قضیه متیقّنه حساب نمی‌کند؛ به تعبیر دیگر در استصحاب عدم ازلی، قضیه متیقّنه با قضیه مشکوکه وحدت ندارند زیرا بین عدم اتّصاف زن به وصف قرشیّت در ظرف معدومیه المرأة، با عدم اتّصاف زن به وصف قرشیّت در ظرف وجود المرأة در نظر عرف، تفاوت است و این دو وحدت ندارند در حالی که در استصحاب باید بین قضیه متیقّنه و مشکوکه وحدت وجود داشته باشد.

#### **نظر مرحوم نائینی (ره) در رابطه با استصحاب عدم ازلی**

مرحوم نائینی (ره) استصحاب عدم ازلی را قبول ندارد. ایشان به سه مقدمه در این رابطه اشاره کرده است؛

**مقدمه اول،** اینکه وجود نعت و عدم نعت، قبل از وجود موضوع ثابت نیست؛ به عبارت دیگر موضوعی که وجود ندارد، از باب عدم ملکه، به نعت متّصف نمی‌شود یعنی زنی که وجود ندارد اصلاً نمی‌تواند متّصف به قرشیّت شود، همان‌گونه که دیوار به عنوان بینا و نابینا متّصف نمی‌شود چون عدم ملکه به موردی مربوط می‌شود که شأن داشتن صفت مورد نظر را داشته باشد، مثلاً به انسان می‌توان گفت که نابیناست چون شأن اینکه بینا باشد را دارد در حالی که دیوار شأن بینایی و نابینایی را ندارد، در مانحن‌فیه نیز قرشیّت در جایی که اصلاً زنی در کار نباشد و سالبه به انتفاء موضوع باشد، به کار نمی‌رود لذا زنی که در ازل موجود نیست به قرشیّت و عدم قرشیّت متّصف نمی‌شود چون ملکه و شأن اتّصاف به این وصف را ندارد و وقتی عدم قرشیّت در رابطه با زنی که موجود نیست معنا نداشته باشد چیزی به نام عدم قرشیّت اصلاً وجود نخواهد داشت تا بتوان آن را تا زمان شک استمرار بخشید.

در پاسخ از کلام مرحوم نائینی (ره) عرض می‌شود که اینکه گفته شد که استصحاب عدم، مطلقاً جاری نمی‌شود، صحیح نیست زیرا تردیدی در این نیست که استصحاب در رابطه با بعضی از اعدام، بالوجدان جاری می‌شود، مثل اینکه گفته می‌شود که زید دیروز متولد نشده بود و امروز شک می‌شود که آیا متولد شده است یا متولد نشده است که همان عدم تولد در دیروز استصحاب می‌شود و به عدم تولد او حکم می‌شود.

**بحث جلسه آینده:** مقدمات دیگری که مرحوم نائینی (ره) به آنها اشاره کرده است، ان‌شاءالله، در جلسه آینده بیان خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمین»